**مقدمه یک نسخه**

**دبیرسیاقی، محمد**

نگارنده چندی است که دست در کار گردآوری مقالات استاد فقید و دانشمند کم نظیر قرن اخیر مرحوم عباس اقبال آشتیانی و به چاپ رساندن آنها دارد و مجلد نخستین آن را نیز تقریباً تقدیم پژوهندگان ادب و شیفتگان آثار تحقیقی و تتبعی زبان پرمایه و شیرین فارسی‏ خواهد کرد.

یکی از دوستان دانشمند و فضل دوست که بر این نیت وقوف داشت شرحی را که متعاقب‏ این مقدمه خواهد آمد برای درج در خلال مقالات مورد اشاره وسیله کتابخانه خیام در اختیار بنده نهاد.این شرح در اصل روی چهار ورقه تایپ شده است و مرحوم اقبال با مرکب سبز خود به تصحیح آن پرداخته و ذیل مقاله را امضا کرده است.مقاله تاریخ تحریر پنجم‏ اردیبهشت 1333 دارد(یعنی حدود یکسال و نیم پیش از در گذشت استا)و عکس صفحه‏ اول کتابی که در این شرح مقاله مانند،از آن سخن رفته است همراه اول صفحات است،اما اینکه اصل کتاب موضوع مقاله کجاست معلوم نیست و دوست هنروری که آن را در اختیار من‏ نهاد توضیح داد که مجموع را میان اوراق کتابی که خریده بوده یافته است و ما برای اینکه‏ کسی نام و نشانی از آن بدهد پیش از چاپ کردن آن در خلال مقالات استاد مرحوم مناسب‏ دیدم که آن را برای درج در مجله گرامی یغما بفرستم. دکتر محمد دبیر سیاقی

این کتاب که حدود هفده سال بعد از فوت مؤلف و ناظم آن نوشته شده علاوه بر اهمیت‏های دیگری که در زیر به شرح آن خواهیم پرداخت یکی از قدیمترین نسخه‏های موجود مصوریست که تاکنون دیده شده.

نام کتاب:این نسخه را کاتب از روی دو اثر نفیس الهی‏نامه و منطق الطیر نقل نموده است. لذا ما می‏توانیم انرا انتخابی از دو کتاب نامبرده بنامیم و می‏توانیم حدس بزنیم که کاتب هر دو نسخه را تمام و کمال برشته تحریر در آورده ولی به واسطه گذشتن چندین قرن بخشی از آن مفقود شده.

راجع به الهی‏نامه خود مؤلف چنین سروده:الهی نامه گنج خسروانست...

ناظم این کتاب:محمدبن ابرهیم نیشابوری معروف به عطار و ملقب به فریدالدین‏ است که در سال‏513 هجری پا بعرصه وجود گذارده و چون در اوائل به عطاری اشتغال داشته‏ است به عطار شهرت یافته،نقل است که روزی درویشی برای دریافت دارو به دکان او می‏رود، چون تنخواهی نداشته که به عطار بپردازد با اصرار بلیغی که می‏نموده عطار از دادن دارو به‏ او امتناع ورزیده و او محروم می‏کند،آن درویش پس از بیان مطلبی که نقل آن طولانی‏ است در مقابل دکان او کشکولش را زیر سر گذارده دارفانی را وداع می‏نماید.عطار از مشاهدهء وی حالش دگرگون شده و مایملک خود را می‏فروشد و در راه خداوند صدقه می‏دهد و از عطاری دست شسته بسیر و سلوک می‏پردازد تا اعاظم عرفا و مشاهیر مشایخ صوفیه می‏گردد و از دست شیخ مجدالدین بغدادی که مرید او بوده خرقه می‏پوشد و بدان پایه می‏رسد که در علوشأن او هیچکس را جای انکار نمی‏ماند.

ملای رومی راجع به او چنین سروده:

هفت شهر عشق را عطار گشت‏ ما هنوز اندر خم یک کوچه‏ایم

همچنین شبستری در گلشن راز راجع به این عارف شهیر چنین درج ساخته:

مرا شاعری خود عارناید که در صد قرن چون عطار ناید

و قاضی نورالله شوشتری در کتاب مجالس المؤمنین در آغاز شرح حال او گوید:

همان خریطه کش داروی فنا عطار که نظم اوست شفا بخش عاشقان حزین‏ مقابل عدد سوره کلام نوشت‏ سفینه‏های نفیس و کتابهای گزین

تا در سال 627 هجری در حالیکه 110 سال از عمر شریفش می گذشت دیده از جهان‏ فروبست.

اهمیت فوق‏العاده این نسخه بی نظیر را که هر چه در باب آن گفته شود انصافا کم است‏ می‏توانیم تحت 3 عنوان مختصر کنیم:

1-از لحاظ نفاست:آنست که نسخ فارسی که در این قرن تحریر یافته بسیار نادر و انگشت‏ شمار است و کاتب رسم الخط آن عصر را کاملا رعایت نموده و پ چ و گ را به این صورت ب و ج و کی نوشته است و مزایای دیگری دارد که اگر بخواهیم به اسلوب کتابت و رسم الخط آن وارد شویم مطلب به طول خواهد انجامید.

3-از لحاظ تصاویر آنست:این نسخه دارای مجالس رنگین متعددی است که با الوان‏ متنوع خوشرنگ نقاشی شده(مقصود از خوشرنگ این است که در بسیاری از نسخ مصور که‏ حتی قرنها بعد از این نسخه نقاشی شده(مقصود از خوشرنگ این است که در بسیاری از نسخ مصور که‏ حتی قرنها بعد از این نسخه نقاشی شده به قدری الوان آن رنگ بکار رفته،در صورتیکه در این‏ نسخه هر رنگی که کار شده در نهایت شفافی و خوشرنگی است به حدی که چشم از دیدن آن‏ لذت می‏برد)مثلا رنگ سبز آن به قدری خوشرنگ است که حدی بر آن متصور نیست و در نسخه‏ کهنی از مقامات حریری که در کتابخانه ملی پاریس است نظیر آنرا دیده‏ام.همچنین است‏ رنگهای شنجرف و الوان دیگر آن.و در مجالس متنوع و گوناگون آن تصاویر حیوانات‏ و نباتات و اشجار میوه دار و گل و بوته‏های متنوع و اسلوب و روش ساختمان‏ها و بناهای‏ مجلل و خیمه‏ها و انواع و اقسام تزئینات لباس و اسلیمی‏های مختلفی که منحصر به آن اعصار بوده و در قرون بعد مخصوصا عمر صفویان تکامل یافته و زینت بخش کتب و کاشی‏های مساجد گردیده.اکنون شرح مختصری راجع به خط و کتابت و جلد آن درج می‏شود:

خط:آغاز و انجام این نسخه شیوه‏ای از قلم کوفی ایرانی است که با اسلیمی‏های‏ مخصوص آن عصر تزئین گردید و متن آن به قلم نسخی است کاتبان و منرسلان آن عصر نسخ‏ خود را به آن شیوه می‏نوشتند.

کاتب:از آنجائیکه علاقه پیشینیان به علم و دانش و خط برای همان علم و دانش و خط بوده و از خودستائی و شهرت بیزار بوده‏اند و روی همین اصل چنین سروده‏اند که:

گر بی هنران قدر هنر هیچ ندانند ای نفس خجل نیستم از تو که تو دانی

کاتب این نسخه مانند بسیاری از نسخ که از نام کاتب عاری است،نیز نام خود را ننوشته‏ و از دعایی که در پایان نسخه برای صاحبش نموده و سعادت و سلامت برای او خواسته معلوم‏ می‏شود آن را برای یکی از اعاظم صدور و مشاهیر آن عصر استنساخ نموده متأسفانه نام او را هم درج ننموده است.

جلد:به اصطلاح اهل فن روغنی است(و به این سبب آن را روغنی می‏گویند که در ابتدا نقاش روی آن را با آب و رنگ نقاشی می‏نموده و سپس برای محفوظ ماندن آن از آفاق گوناگون را روغن کمان روی آن نقاشی را روغن مالی می‏کرده)که پس از گذشتن چندین قرن(حدود قرن 12-11هجری)به آن ضمیمه شده است. مختصر،این نسخه می‏تواند به تاریخ صنایع و هنر ایران خدمت شایسته‏ای بنماید چون مجموعه کاملی از کاغذ و خط و نقاشی و الوان متنوع قرن هفتم هجری است.و چون‏ غرض از تحریر این سطور فقط شناسانیدن اجمالی این نسخه است بناچار از وارد شدن در جزئیات و خصائص گوناگون آن میگذرم.کسانی که اهل بصیرت و هنرمند از همین مختصر و از مشاهده نسخه به خوبی می‏توانند به ارزش واقعی این گوهر گرانبها پی‏ببرند.

5/2/1333 عباس اقبال

یک صفحه عکس کتاب موضوع مقاله ضمیمه؛منظوم است و به خط نسخ که مصراع اول‏ چنین است،بنام آن که نامش قوت جان است.از گراور آن صرف نظر شده که خوب از کار در نخواهد آمد.معلوم نیست اصل نسخه کجاست و موجب کمال تاسف است.

مجله یغما در شماره اسفند در ص 702بیت را چنین بخوانند: وان کاج کهن بکوه گردون سا